

فلسفہ زیارت

و زیارت مآلہ

سید عبدالعزیز قاسمی

سرشناسه: فلسفیان، سید عبدالمجید، ۱۳۳۸ عنوان و نام پدیدآور: فلسفه زیارت
زیارت ماهانه / سید عبدالمجید فلسفیان. مشخصات نشر: تهران: انتشارات ذکرا، ۱۳۶۷
مشخصات ظاهری: ۸۰ ص وضعیت فهرست نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع: زیارت و زائران -- فلسفه موضوع: Pilgrims and pilgrimages -- Philosophy
موضوع: زیارت و زائران -- آداب و رسوم موضوع: Pilgrims and pilgrimages
Manners and customs رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ف ۸ / ۲۶۲ BP
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۶ شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۸۵۴۹۴
شابک: ۰ - ۴ - ۰ - ۲ - ۳ - ۷ - ۰ - ۶ - ۸ - ۷ - ۹

فلسفه زیارت و زیارت نامه سید عبدالمجید فلسفیا

لیلة القدر: ۳۷۷۱۲۳۲۸-۰۲۵ ذکوا: ۴۵۷۸۰-۸۶-۲۱

چاپ اول: زمستان ۹۷ چاپ: دفتر تبلیغات اسلامی

شمارگان: ۵۰۰ قیمت: ۷۵۰۰ تومان

تلفن مرکز پخش: ۳۷۷۱۲۳۲۸-۰۲۵ / ۹۱۲۷۴۶۱۰۲۲

شابک: ۰۴-۰۰-۷۲۳۲-۶۰۰-۹۷۸ نمایر: ۳۷۷۱۷۳۷۸-۰۲۵



انستانت اسلام



انتشارات ذکرا

همه حقوق این اثر متعلق به ناشر است

www.einsad.ir

فهرست

۹ _____ گفتار

فصل اول: فایده زیارت و مفهوم آن

۱۷ _____ مفهوم زیارت

۱۸ _____ فلسفه زیارت

۱۸ _____ ۱- طهارت - رپ

۱۹ _____ ۲- خودشناسی و خودسازی

۲۰ _____ ۳- تقرب به حق

۲۱ _____ ۴- پرداخت مزد رسالت

۲۲ _____ ۵- اعلان وفاداری

۲۳ _____ ۶- تشکر و سپاسگذاری

۲۴ _____ ۷- پناهندگی

۲۴ _____ ۸- لبتیک به ابراهیم علیهم السلام

فصل دوم: ویژگی های زائر

۲۹ _____ ۱- عارف بودن

۳۰ _____ ۲- اهل تجبر و تکبر نبودن

۳۱ _____ ۳- زینت میزبان و صاحبخانه بودن

۳۱ _____ ۴- حُسن خلق داشتن

فصل سوم: آداب زیارت

- ۱- شروعی همراه بند و تفکرو ذکر ۳۵
- ۲- داشتن طهارت باطنی و ظاهری ۳۶
- ۳- تلاوت ارکان عرش ۳۶
- ۴- اجازه ورود خواستن ۳۷
- ۵- سلام دادن ۳۹
- ۶- نشستن بر خوان نعمت و بهره‌مند شدن از آن ۴۰
- الف. قرآن ۴۰
- ب. ر ۴۱
- ج. دعاء طلب و درخواست ۴۲
- د. ک ۴۲
- ۷- هشیاری ۴۲

فصل چهارم: آثار زیارت و نشانه‌های برتری آن

- ۱- عشق به دیگران ۴۷
- ۲- حیات قلب ۴۷
- ۳- کمال عقل ۴۸
- ۴- شرح صدر ۵۰
- ۵- کشش به خوبی‌ها و نفرت از بدی‌ها ۵۰
- ۶- سکون و آرامش و طمأنینه روحی ۵۱

فصل پنجم: وظیفه‌زائر بعد از زیارت

- ۱- نشردادن معارف ۵۶
- ۲- مراقبت و مداومت ۵۶
- ۳- ذاکر بودن ۵۶

فصل ششم: فلسفه زیارت ماهانه

- توشل ۶۸
- چه بخوایم؟ ۷۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پاسر میلاد پیامبر رافت و رحمت و وحدت

تقارن تولد دو پیامبر الهی^۱ و «نذر و کلمه الله این نوید را به بشر امروز که گرفتار بحران ها و بن بست های جاهلیت مارا رسیده، می دهد که بار دیگر تحت لوی توحید گرد هم آیند^۲ چرا که توحید به تنهایی^۳ و نه هیچ اصل دیگری می تواند عامل وحدت ادیان ابراهیمی در برابر شرک^۴ شیطان پرستی و بت های قدرت و ثروت باشد.

و همچنین تقارن این دو با آغاز امامت کسی که سرور و پناه و شارح ظهور

۱. مقدمه کتاب در سال ۱۳۹۴ ش، به مناسبت تقارن میلاد پیامبر اکرم ﷺ و میلاد حضرت عیسی ﷺ نوشته شده است.

۲. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» بگو: ای صاحبان کتاب آسمانی، بیایید در عمل به سخنی که میان ما و شما یکسان است گرد آییم، و آن این که جز خدای یکتا را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و برخی از ما برخی دیگر را به جای خدا صاحب اختیار خود نگیرد. پس اگر از این دعوت روی برتافتند، بگوئید: گواه باشید که ما مسلمانان تسلیم خداییم.» آل عمران، ۶۴.

او را داده‌اند که او تنها کسی است که می‌تواند این انسان خسته‌ی در راه و این انسان به بن بست رسیده‌ی جاهلیت این قرن‌های ظلمت و سلطه را نجات دهد و از این ظلمت‌ها به نور خارج کند و به رشد و فلاح و رویش برساند. همان کسی که از یک طرف فرزند فاطیما دختر همین آخرین پیامبر است و از طرف دیگر کنار خود، عیسی بن مریم علیه السلام را دارد که به او اقتدا خواهد کرد و به او یاری خواهد رساند. دو فرزند از دو بانوی که یکی مریم، بزرگ زنان دوران خویش است و دیگری فاطمه، همه زنان عالم است.

ظهوری در این راه، به روم تشریح می‌کند و به کسانی که در پی خروج از این بن بست و تبه‌سازدانی هستند راه برون رفت را نشان می‌دهد.

اکنون دست پخت بسر در این خشکی را درگیر فساد خود کرده و بحران محیط زیست، حیات او و موجودات دیگر را تهدید می‌کند؛ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»^۱ و سیر در تاریخ که فساد نسل‌های گذشته را نشان می‌دهد که چگونه همین فساد و بهشت انسان او را به هلاکت رساند؛ «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ»^۲.

این تجربه مستقیم بشر امروز و این عبرت از سرگذشت تمدن‌های پیشین،

۱. بر اثر شرک و زیدن مردم و گناهانی که مرتکب می‌شوند، فساد و تباهی، خشکی و دریا را فراگرفت. تا خداوند وزر و وبال برخی از رفتارها و باورهای نادرست مردم را به آنان بچشاند، باشد که از شرک و گناه بازگردند و به توحید و فرمانبرداری از او گردن نهند. روم، ۴۱.

۲. اگر تردید دارند که گناه و شرک سبب ویرانی و فساد است و باور ندارند که آدمیان کیفر اعمال خود را خواهند دید، به آنان بگو: در زمین سیر کنید و ببینید فرجام کسانی که بیشتر در زمین می‌زیستند چگونه شد. بیشتر آنان مشرک بودند که خداوند، بخشی از سزای اعمالشان را به آنان چشاند. روم، ۴۲.

تنها راه نجات را بازگشت به وحی و دین و پیامبر رحمت می داند. که اسلام ابراهیم - پدر انبیاء الهی - که توسط فرزند او به عنوان آخرین پیامبر با نصب خلیفه های بعد از خود به کمال و تمام رسید، چنین دینی باید به پا داشته شود چرا که تنها قانون قیّم و استواری که با فطرت و ساخت و بافت انسان فرمایش نظام مند و هدفمند، هماهنگ است، همین دین است؛ ﴿فَأَقْصِرْ بَيْنَهُمَا لِدِينِ الْقَيِّمِ﴾^۱.

و بر بی چاره دینی در سطح جهانی نه منطقه ای نیاز به کسی دارد که از یک طرف بر تنه می ان دین اشرف و احاطه داشته باشد و از طرف دیگر به همه حوزه های رحا آدمی نیازهای او واقف باشد و کوچکترین کشتی به غیر حق نداشته باشد و او کسی - ز همین مصلح جهانی قائم آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیست که درک بشر از این بحران را به بن بست ها و درک او از خودش و نیازهایش و درک اضطرار به یک چنین دین و چنین مصلحی او را وادار می کند که از یک طرف به شرک و شیطان پرستی و دیارهای مبتدیان و قدرت ثروت و شهوت، نه بگوید و اعتراض کند و از طرف دیگر بپایستن به وحی و پیروی از آن، خود را منتظر و آماده نماید و او را که همه ما از خصوصیات غائب هستیم با همه وجودش و همه اضطرارش از عزیز مقتدر فتاح رحمان مطالبه نماید تا با ظهورش بشر به فطرت خود برگردد و به مقام خلیفه الهی نائل آید؛ نه تنها خدا در زمین گردد و زمین و زمان و انسان را آباد کند؛ ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا

۱. روی خود را به این دین که آیینی استوار است بگردان و تنها متوجه آن باش. روم، ۴۳.

وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ اللَّهُ مَعَ الَّذِينَ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ»^۱

به پاس چنین تولدی و به پاس شروع امامت چنین امامی به دفاع از حقیقتی سخن می‌گوییم که امروزه مورد هجوم کسانی قرار گرفته که تحت امر شیاطین کوچک و بزرگ به تفرقه میان ادیان ابراهیمی و مذاهب اسلامی پرداخته‌اند. «همچون عرب جاهلی شمشیر می‌کشند و شکم پاره می‌کنند و جگر می‌خرید و خون می‌آشامند و بذر قساوت و خشونت می‌کارند و درخت نفرت از وحی و دین و اسلام را می‌رویانند و هلاکت حرث و نسل درو می‌کنند؛ یعنی آنچه که علی علیه السلام از سبب آنها توصیف می‌کند: «زَرَعُوا الْفُجُورَ وَ سَقَوْهُ الْغُرُورَ وَ حَصَدُوا الثُّبُورَ»^۲.

این‌ها همچون خورج عصای با خشک مغزی و سنگدلی هویت تاریخی مسلمین را تخریب می‌کنند و زیارت و مبروالتش را شرک می‌دانند و شیعه و سنی را کافر می‌خوانند و خود را سرباز صفیانی از نسل ابوسفیان و معاویه می‌شمارند و خود را آماده مقابله با همیان معاند جهانی می‌کنند و با

۱. آیا آن کس که خواسته هر درمانده‌ای را آن‌گاه که او را بخواند، اجابت می‌کند و گرفتاری‌اش را برطرف می‌سازد و شما آدمیان را در زمین جانشین قرار می‌دهد، بهتر است یا خدایان اهل شرک؟ آیا با وجود خدا معبودی شایسته پرستش، هست؟ شما کفرپیشگان چه اندک درمی‌یابید و متذکر می‌شوید.» نمل، ۶۲.

۲. این‌ها فجور را کاشتند و با غرور و فریب آیش دادند و گرفتاری و رنج و هلاک را برداشت کردند.» نهج البلاغه، خطبه ۲.

شدیدترین دشمن اسلام یعنی صهیونیسم، پیمان اخوت و دوستی می‌بندند،^۱ و در کنار کشتن مسلمین اعم از شیعه و سنی به کشتن مسیحیان و رهبانین می‌پردازند.

بی‌شک این‌ها عاقبت همان خوارج عصر علی را دارند که علی علیه السلام خود خرمی داد که از این‌ها در نهایت اندکی راهزن و غارتگر باقی می‌ماند؛ «كُلَّمَا نَزَلْنَا مِنْهُمْ قَرْنٌ قُطِعَ حَتَّىٰ يَكُونَ آخِرُهُمْ لُصُوصًا سَلَّالِينَ».^۲

برای رویارویی در برابر چنین خوارجی باید در دو حوزه نظری و عملی به مقابله پرداخت. از اندیشه ناب دین محمد صلی الله علیه و آله دفاع کرد و با بیّنات و حکمت به روشنگری پرداخت تا از یک طرف به تقویت ایمان اهل اسلام پرداخته شود و از طرف دیگر انسان‌های اسیر در ظلمت چنین افرادی رها و آزاد گردند.

به این جهت در این کتاب به «فلسفه زیارت» و «ویژگی زائر» و «آداب و آثار زیارت» پرداخته و در بخش پایانی آن که به رحلت پیامبر رحمت و شهادت دو فرزند دل‌بندش امام حسن مجتبی و امام رضا علیهما السلام در روزهای پایانی ماه صفر نوشته شده است به «فلسفه زیارت ماهانه» پرداخته‌ایم، به این امید

۱. «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آوَاؤُا إِنَّا نَصَارَىٰ ذَلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قَبِيلَ سَيْسٍ وَرَهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَتَشَكَّرُونَ» (بی‌گمان، سرسخت‌ترین مردم را در دشمنی با کسانی که ایمان آورده‌اند یهودیان و مشرکان خواهی یافت، و نزدیکترین مردم را در دوستی با آنان که ایمان آورده‌اند کسانی خواهی یافت که گفتند: ما مسیحی هستیم، این از آن روست که برخی از آنان کشیشان و راهبانند، و بدان سبب است که آنان در پذیرش حق تکبر نمی‌ورزند، مانند ۸۲، ۲. «هرگاه از آنها شاخصی سر برآورد و خودی نشان دهد سرش بریده می‌شود تا در نهایت باقی‌مانده آنها دزدان راهزن می‌گردند.» نهج البلاغه، خطبه ۶۰.

که همه ما زائر کوی دوستی شویم که از او غائبیم.

www.ketab.ir